



فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال پانزدهم، شماره ۴۷، تابستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۶۲-۲۳۹

رابطه بین عناصر گفتمانی در پیکره‌های موازی: مورد پژوهی ترجمه شفاهی همزمان^۱ علی محمد محمدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵

چکیده

این مقاله با رویکردی تحلیلی-تطبیقی و با بهره‌گیری از پیکره‌های موازی، به تجزیه و تحلیل روش‌های ایجاد رابطه مابین واحدهای گفتمان پرداخته‌است. در این راستا، داده‌های برگرفته از متون مبدأ و مقصد، با تمرکز بر مقایسه و تحلیل تطبیقی عناصر زبانی در سطح واژه و جمله در این پیکره‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پیکره پژوهش، شامل حدود ۳۵۰۰۰ هزار واژه برگرفته از سه سخنرانی به زبان فارسی و ترجمه شفاهی همزمان آن‌ها به زبان انگلیسی بود. انتخاب پیکره‌های موازی بر اساس نمونه‌برداری تصادفی از میان پیکره‌های موازی موجود در سال ۱۳۹۹ انجام گرفت. با استناد به یافته‌های پژوهش‌های پیشین، پراکندگی فراوانی جمله‌ها، واژه‌ها، و گفتمان‌نماها به عنوان معیار مقایسه و بررسی روش ایجاد رابطه بین واحدهای گفتمان در این دو پیکره در نظر گرفته شد تا میزان انطباق آن‌ها با اصول همکاری گرایس تحلیل گردد. تحلیل داده‌ها نمایانگر افزایش چهارپنجم روش‌های طراحی رابطه بین واحدهای گفتمان (۸۰ درصد) و کاهش بخش محدود (۲۰ درصد) این روابط در پیکره‌های سه‌گانه متن مقصد بود. به این معنا که مترجم از دو اصل کمیت و شیوه بیان از اصول همکاری گرایس در ایجاد روابط گفتمانی بهره گرفته‌است. این یافته نشان می‌دهد که مترجم شفاهی همزمان ایرانی برای ارایه گفتمانی سلیس، روان، و قابل فهم برای مخاطب خویش، در ۸۰ درصد موارد به راهبرد

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2021.36750.2056

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088833.1402.15.47.9.4

^۲ دکترای تخصصی زبان‌شناسی کاربردی، استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان‌ها، دانشگاه

اراک، اراک، ایران؛ a-mohammadi@araku.ac.ir

تصریح روابط بین واحدهای گفتمان متوسل شده‌است و در ۲۰ درصد موارد هم از راهبرد تلویح استفاده نموده‌است. به سبب بهره‌گیری از دو نظریه منظورشناسی و ترجمه‌شناسی، استنباط علمی، آموزشی، و پژوهشی نگارنده این است که چنین یافته‌هایی دارای اعتبار علمی بیشتری در شناخت نظام گفتمان و روش‌های ایجاد روابط بین واحدهای گفتمان هستند و کاربرد مهم علمی، آموزشی، و پژوهشی این مطالعه برداشتن گامی اولیه در کشف و معرفی اصول همکاری مترجم در فرایند ترجمه شفاهی همزمان برای طراحی گفتمانی مناسب برای مخاطب از طریق تجزیه و تحلیل ابعاد روابط بین واحدهای گفتمان است. کاربردهای دیگر این پژوهش شامل زمینه‌سازی برای ارایه و ابداع چشم‌اندازها، راهبردها، و نظریه‌های گوناگون در تحلیل و شناخت جامع‌تر نظام منظورشناختی تعاملات انسانی در دیگر حوزه‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی مورد بررسی است.

واژه‌های کلیدی: اصول همکاری، ترجمه شفاهی همزمان، روابط واحدهای گفتمان

۱. مقدمه

از دیدگاه زبان‌شناسی نقش‌گرا، منظور از روابط بین واحدهای گفتمان^۱ روش‌های ایجاد و حفظ انسجام و ارتباط بین بخش‌های گوناگون متن مانند پاره‌گفته‌ها، جمله‌واره‌ها و جمله‌ها است که با بهره‌گیری از عناصر گوناگون زبانی مانند واژه‌ها، عبارات، و موارد مشابه ایجاد می‌شوند. دستاورد این انسجام و ارتباط، پیدایش روابط گوناگون گفتمانی مانند افزایش و توصیف، تضاد و تقابل، نتیجه‌گیری و برداشت، و توالی و سلسله‌مراتب است (Halliday, 1973). در همین راستا پژوهشگرانی همچون داس و تابودا (Das & Taboada, 2018) بیان می‌دارند که روابط بین واحدهای گفتمان دربرگیرنده انسجام معنایی و منظورشناختی بین بخش‌ها و واحدهای گفتمان است که با بهره‌گیری از نقش‌های گوناگون عناصر زبانی در بافت گفتمان به وجود می‌آید. این نظام انسجامی منظورشناختی دارای جنبه‌ها و صورت‌های چهارگانه‌ای از روابط انسجامی تفصیلی^۲، تقابلی^۳، استنباطی^۴، و توالی^۵ است. در گستره رابطه توصیفی-تفصیلی بین واحدهای گفتمانی، گوینده یا نویسنده با بهره‌گیری از گفتمان‌نمایی مانند همچنین، و، علاوه بر این، و افزون بر این به گسترش و گستردن متن و گفتار با رویکردی که نمایانگر سازش و تأیید است، می‌پردازد. برای ایجاد رابطه گفتمانی تضاد و تقابل، فرد با بهره‌برداری از گفتمان‌نمایی همچون

¹ relations between units of discourse

² elaborative

³ contrastive

⁴ inferential

⁵ temporal

ولی، در مقابل، علی‌رغم، و اما به ایجاد رابطه‌ای که نمایانگر مخالفت در گفتار و نوشتار است، می‌پردازد. برای آفرینش روابط استنتاجی و استنباطی در متن، از گفتمان‌نمایی مانند سپس، پس، بنابراین، و خوب بهره گرفته می‌شود. افزون بر این، برای نمایش روابط سلسله‌مراتب زمانی در گفتمان، گفتمان‌نمایی مانند اولاً، ثانیاً، نخست، و موارد مشابه به کار گرفته می‌شوند. بنابراین، این روابط انسجامی با استفاده از گفتمان‌نماها^۱ نشان داده می‌شوند. از این منظر گفتمان‌نماها یکی از عناصر مهم در ایجاد روابط گوناگون در بافت کلام اند. به آن سبب که گوینده یا نویسنده با بهره‌گیری از واژه‌ها، پاره‌گفته‌ها، و جمله‌ها این روابط چهارگانه را در متن به وجود می‌آورند.

در توصیف نظام ترجمه شفاهی همزمان، پژوهشگران موضوع درک، فهم، و تولید متن در زبان‌های مبدأ و مقصد به صورت همزمان را مطرح کرده‌اند. آن‌ها بر این باورند که ترجمه شفاهی همزمان فرایند تعاملی پیچیده‌ای است و مترجم سرگرم بهره‌گیری از زبان‌های مبدأ و مقصد به صورت همزمان است. به این ترتیب که مترجم در زبان مبدأ به رمزگشایی اطلاعات می‌پردازد و در زبان مقصد هم درگیر رمزگذاری آن است. همچنین، هدف ترجمه شفاهی همزمان فقط مربوط به تعامل شفاهی - یعنی انتقال پیام از زبان مبدأ به زبان مقصد به شکلی طبیعی، سلیس، و روان بر اساس گفتمان شفاهی گوینده و در چارچوب زبان و فرهنگ مقصد - است. افزون بر این، در واکاوی عملکردهای مترجمان شفاهی همزمان در این فرایند تعاملی و ارتباطی پیچیده، پژوهشگران مرحله‌های زیر را کشف و معرفی نموده‌اند: الف) شنیدن دقیق و واکاوی عمیق با سرعت بالا، ب) ذخیره سریع اطلاعات در حافظه کوتاه مدت، ج) آفرینش همزمان گفتمان شفاهی در زبان مقصد، د) تعامل و همکاری گسترده مترجم با سخنران به منظور آفرینش گفتمان مناسب برای مخاطب (Chesterman, 2016; Gile, 2005, 2018).

ترجمه شفاهی همزمان زمینه پیدایش پیکره‌های موازی را فراهم می‌کند. زوفری (Zufferey, 2017) پیکره‌های موازی^۲ را مجموعه‌ای از داده‌های برگرفته از دو زبان می‌انگارد که شامل متن‌های اصلی و ترجمه آن‌ها است. به باور کلاودی (Klaudy, 2005) کامیابی ترجمه شفاهی وابسته به همکاری گسترده مترجم شفاهی همزمان با سخنران است و این نظام همکاری در تعامل‌های زبانی را اصول همکاری می‌نامند. اصول همکاری^۳ در زبان‌شناسی را گرایس برای نخستین بار در سال ۱۹۷۵ معرفی نمود. این اصول چهارگانه، مبانی عاقلانه رفتار زبانی فرد در جامعه را پدید می‌آورند. اصل نخست کمیت است. بر مبنای این اصل از گویشور زبان انتظار

¹ discourse markers

² parallel corpora

³ cooperative principles

می‌رود اطلاعات کافی برای مخاطب خویش ارائه نماید و از ارائه اطلاعات مازاد پرهیز کند. اصل دوم اصل کیفیت نام دارد. در این اصل فرض بر این است که گوینده یا نویسنده اطلاعاتی بایسته و درست را در اختیار مخاطب قرار دهد. گرایس اصل سوم از اصول همکاری را اصل ارتباط نامیده است. بر اساس این اصل، باید اطلاعات ارائه شده با موضوع ارتباط داشته باشد تا مخاطب بتواند به کشف منظور گوینده یا نویسنده دست یابد. اصل چهارم را گرایس شیوه بیان نامیده است. منظور وی از شیوه بیان، ارایه روشن، آشکار و بدون ابهام اطلاعات در فرایند ارتباط و تعامل در بافت اجتماعی است. از آن جایی که به گفته زوفری (Zufferey, 2017) و کلاودی (Klaudy, 2005) یافته‌های برگرفته از داده‌های موازی دارای پشتوانه علمی همگانی‌های^۱ ترجمه، روش‌ها و راهبردهای مترجمان حرفه‌ای هستند، این یافته‌ها از اعتبار علمی گسترده‌تری برخوردارند. به آن سبب که اطلاعات گسترده‌ای درباره ابعاد، ظرایف، و شاخص‌های^۲ روابط بین واحدهای گفتگمان ارائه می‌کنند که برای شناخت و واکاوی خلاقانه نظام گفتگمان و سرانجام طراحی^۳ گفتگمان و روابط بین واحدهای گفتگمان بسیار موثرتر از داده‌های برگرفته از بررسی‌های یک‌زبانه است. افزون بر این، برنامه‌ریزی آموزشی، پژوهشی، علمی، و اجرایی بر مبنای چنین یافته‌هایی منجر به گسترش حوزه‌ها و چشم‌اندازهای جدیدی در این گستره گفتگمان‌شناختی خواهد شد (Aijmir, 2002; Baker, 1993; Crible et al., 2019). با این وجود، وی هم رفته، پژوهش‌های اندکی در این حوزه انجام شده است و در محیط‌های علمی-آموزشی، چنین پژوهش‌هایی انجام نگرفته است. برای از بین بردن این کاستی پژوهشی، مقاله حاضر به واکاوی و بررسی نظام، ساختار، و ابعاد روابط بین واحدهای گفتگمان در پیکره‌ها و داده‌های موازی در متن‌های مبدأ و مقصد با تمرکز بر مقایسه تطبیقی عناصر و متغیرهای زبانی و فرازبانی در این پیکره‌ها بر اساس نظریه انسجام^۴ (Schiffrin, 1987)، نظریه تحلیل راهبردها و معادل‌های ترجمه^۵ (Cartoni & Zufferey, 2013)، و الگوی پژوهشی محمدی و دهقان (Mohammadi & Dehghan, 2020) پرداخته است. افزون بر این، پژوهش حاضر در پی بررسی میزان کاربرد اصول همکاری در فرایند ترجمه شفاهی همزمان و همچنین، برداشتن قدم اولیه در معرفی اصول همکاری اختصاصی در گستره ترجمه شفاهی همزمان است. با توجه به اینکه عوامل گوناگونی، تفسیر جمله و متن را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در خدمت رهبری مخاطب در کشف انسجام متن و سرانجام تفسیر درست آن

¹ universals

² granularity

³ construction

⁴ coherence

⁵ translation spotting

هستند (Zhao, 2014)، فرض نگارنده بر این است که ممکن است تفاوت‌ها و تغییراتی در گستره ایجاد روابط بین واحدهای گفتمان در متن مقصد به وجود آید. این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است: نخست اینکه، تحلیل داده‌ها در پیکره‌های موازی چه اطلاعاتی درباره کاربرد عناصر زبانی تأثیرگذار در ایجاد روابط بین واحدهای گفتمان در فرایند ترجمه شفاهی همزمان در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد؟ دوم اینکه، در فرایند ایجاد روابط بین واحدهای گفتمان در فرایند ترجمه شفاهی همزمان چه تغییراتی در کاربرد واژه‌ها، پاره‌گفته‌ها، و جمله‌ها روی می‌دهد؟ سوم اینکه، مبانی و علل منظورشناختی این تغییرات در فرایند ترجمه شفاهی همزمان کدام‌اند؟ در پایان، در ایجاد روابط بین واحدهای گفتمان، این مترجم از کدام یک از اصول همکاری گرایس در حوزه ترجمه شفاهی همزمان بهره می‌گیرد؟

۲. پیشینه پژوهش

در تحلیل پیشینه پژوهش‌ها، نخست به تحلیل روابط بین واحدهای گفتمان می‌پردازیم. پس از آن، پژوهش‌های پیشین در حوزه راهبردها بررسی می‌گردد. سپس، تأثیر عوامل دیگر در این فرایند بررسی می‌شود. پتوخوا و بانت (Petukhova & Bunt, 2011) در تعریف واحدهای گفتمان بیان می‌دارند که آن بخشی از متن است که دارای ویژگی‌های زبانی لازم برای درک، تفسیر، و استنباط مقاصد گوینده/نویسنده بر اساس متغیرهای متن و بافت است و عناصر مختلف زبانی رابطه و انسجام بین این بخش‌ها را به وجود می‌آورند. ترانوآک و همکاران (Tranvac et al., 2015) رابطه بین گزاره‌ها را رابطه بین واحدهای گفتمان می‌انگارند. این پژوهشگران به تحلیل فراوانی روابط گوناگون بین واحدهای گفتمان پرداختند و نتیجه بررسی آن‌ها نشان داد که روابطی مانند تقابل، تفصیل، ارزیابی، استناد، و بازگویی دارای بیشترین فراوانی در پیکره آنان بود. دگند (Dagand, 2009) در تحلیل خود به این نتیجه دست یافت که لازمه تفسیر درست گفتمان وجود ساختاری منسجم است که در آن هر عنصر زبانی نقش ویژه خودش را به جا می‌آورد و فرض مخاطب در تفسیر گفتمان و واکنش مناسب این است که هر واحد گفتمان از مجموعه‌ای از واحدهای کوچکتر تشکیل شده است که دارای انسجام و ارتباط روشن و آشکاری هستند.

گروهی از پژوهشگران در گستره ترجمه شفاهی به تحلیل راهبردهای ترجمه‌ای پرداخته‌اند. چن و دانگ (Chen & Ding, 2010) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مترجم‌های شفاهی برای از بین بردن مشکلات خود در فرایند ترجمه از راهبردهای بازسازی و ساده‌سازی بهره می‌گیرند. گمول (Gumul, 2006) به تحلیل پیکره‌ای موازی در ترجمه شفاهی پرداخت و دو

راهبرد عادی‌سازی و تصریح را بر مبنای تحلیل راهبردهای مترجم کشف نمود. چسترمن (Chesterman, 2016) افزایش انسجام متن مقصد به وسیله افزودن واژه‌ها و عبارات با هدف گسترش وضوح ابعاد واژگانی متن را از جمله راهبردهای منظورشناسی می‌انگارد. فرکو (Furko, 2014) در توجیه سلاست بیشتر متن مقصد در مقایسه با متن مبدأ به این نتیجه می‌رسد که مترجم‌های شفاهی از واژه‌های بیشتری بهره می‌گیرند که نتیجه استفاده از راهبرد تفصیل^۱ در این فرایند است. شلزینگر (Shlesinger, 2000) در تحلیل پیکره‌ها از جنبه روابط گفتمانی نشان می‌دهد که مترجم با افزودن حروف ربط، عطف، و اضافه در متن مقصد از راهبرد تصریح بهره می‌گیرد که نتیجه آن گسترش طول متن است. در پیکره مطالعاتی پیورتین (Puurtinen, 2004) نیز مترجم‌ها به وسیله تغییر پیوستگی ارجاعی^۲ به پیوستگی لغوی^۳ از راهبرد تصریح استفاده نمودند.

از میان پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه ترجمه شفاهی با تمرکز بر راهبردها، پژوهش صحاف و همکاران (Sahhaf et al., 2015) منجر به کشف راهبردهای تغییر نحوی، دگرنویسی، قرابت، قرض، جداسازی و حذف گردید و راهبرد تغییر نحوی دارای بیشترین کاربرد بود. همچنین، پژوهش شفیع و همکاران (Shafiei et al., 2017) تاثیر مثبت راهبرد یادداشت‌برداری بر تقویت حافظه در فرایند ترجمه شفاهی را نشان داد. موسوی رضوی (Mousavi Razavi, 2016) نیز تاثیر بهره‌گیری از راهبردهایی مانند پیش‌بینی، تمرین تقویت حافظه و گسترش توجه بر کیفیت ترجمه شفاهی را بررسی نمود و نتیجه گرفت که آموزش آن تاثیر مثبتی بر گسترش کیفیت ترجمه شفاهی دارد. افزون بر این، شفیع و همکاران (Shafiei et al., 2017) به تحلیل تاثیر آموزش روش‌های ترجمه شفاهی بر کیفیت ترجمه دانشجویان ترجمه پرداختند. نتیجه پژوهش آن‌ها نشان داد که آموزش روش‌ها و راهبردهای ترجمه شفاهی سبب افزایش کیفیت ترجمه دانشجویان گردید.

تحلیل پیکره‌های موازی در مطالعه گمول (Gumul, 2006) نشان داد که مترجم با استفاده از راهبردهای ذیل به تغییراتی متوسل شده بود: الف) افزودن حروف عطف و ربط، ب) تغییر از پیوستگی ارجاعی به پیوستگی لغوی، ج) جایگزین کردن عبارات اسمی با عبارات فعلی، د) تکرار لغات، و) اضافه کردن ضمیر موصولی حذف شده به قرینه لفظی، ی) تغییر اسم به فعل. علاوه بر این، تحلیل روش‌های حل مسئله دانشجویان در پژوهش گمول (Gumul, 2006) منجر

¹ elaboration

² referential cohesion

³ lexical cohesion

به کشف راهبردهای ذیل شد: ۱. تکرار لغات، ۲. تصریح و مشخص کردن معنی، ۳. اضافه کردن کلماتی برای گسترش وضوح متن، ۴. اضافه کردن گفتمان‌ها. افزون بر این، تکرار کلمات شامل دو نوع بود: تبدیل ضمائر به اسامی و تغییر دگر نویسی به صورت تکرار عینی. و صورت‌های دیگر تکرار شامل تکرار کلمه یا عبارت خاص در متن بود. تصریح معنایی هم شامل افزودن کلماتی است که ابهام را برطرف نموده و معنای دقیق‌تر، کامل‌تر، و جزئی‌تری را نشان می‌دهد.

تیرکونین-کاندیت و جسکلانین (Tirkonen-Condit & Jaaskelainen, 2000) به بررسی نقش حافظه کوتاه‌مدت در فرایند ترجمه شفاهی پرداختند. این نقش‌ها شامل نگهداری واژه‌ها، پاره‌گفته‌ها و جمله‌های زبان مبدأ در ذهن، رمزگشایی معنای زبان مبدأ، و رمزگذاری همان معنا در زبان مقصد است. یافته‌های بررسی آن‌ها نشان داد که تقویت این مهارت‌های سه‌گانه به کمک فعالیت‌های تقویت حافظه، فرایند رمزگشایی و رمزگذاری اطلاعات را آسان می‌کند و در نتیجه آن فعالیت‌ها، کیفیت ترجمه شفاهی دانشجویان بهبود می‌یابد.

سلیمی و نصرتی (Salimi, & Nosrati, 2015) تأثیر مطالعه و بررسی پیکره‌های برخط بر گسترش کیفیت ترجمه شفاهی پرداختند و به این یافته دست یافتند که فعالیت‌ها در حوزه بررسی و تحلیل پیکره‌ها منجر به گسترش کیفیت ترجمه شفاهی دانشجویان می‌گردد. افزون بر این، پژوهش ریکاردی (Riccardi, 2005) نشان داد که نه تنها فراگیری مهارت‌های شفاهی زمینه تقویت توانش و کنش ترجمه‌ای دانشجویان را فراهم نمی‌کند بلکه بین ویژگی‌های شخصیتی و توانش و کنش ترجمه‌ای دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. مطالعه کریبل و دگند (Crible & Degand, 2017) در تحلیل پیکره‌های موازی نشان داد که روش‌های مترجم همچون افزایش واژه، عبارت و بهره‌گیری از واژه‌های خاص بود. راهبردهای کشف شده شامل افزودن حروف ربط و عطف، عبارات، و بیان موارد تلویحی به صورت شفاف و روشن بود. راهبردهای منظور شناختی نیز شامل مشخص کردن ویژگی‌های فرهنگی و نشان دادن آشکار و روشن آن‌ها در متن مقصد بود که متضمن افزایش در بهره‌گیری از این عناصر در تصریح بیشتر روابط میان واحدهای گفتمان است و یکی از دلایل گسترش ابعاد متن مقصد است. راهبردهای متنی هم شامل بررسی افزایش متن به وسیله شمارش تعداد واژه‌های متن اصلی و متن مقصد و مقایسه افزایش آن‌ها از جنبه‌های مختلف است. به باور کلاودی (Klaudy, 2005) اگرچه روش‌ها و روندهای برگردان در انجام ترجمه فرایندهای خودکار^۱ هستند، ولی تصریح، اغلب نتیجه اعمال راهبردهای ترجمه‌ای است. منظور از راهبردهای ترجمه فعالیت‌ها و عملیات انتقال عناصر و مفاهیم متن مبدأ به متن

¹ automatic

مقصد را شامل می‌شود که مترجم به صورت آگاهانه از آن‌ها بهره می‌گیرد (Klaudy, 2005). بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که در گستره اقدامات مترجم شفاهی همزمان در کاربرد واژه‌ها، پاره‌گفته‌ها، و جمله‌ها برای طراحی روابط گوناگون گفتمانی میان واحدهای گفتمان در پیکره‌های موازی به زبان فارسی پژوهشی انجام نشده است. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف از بین بردن این کاستی علمی-پژوهشی انجام شد.

۳. روش اجرا

روش پژوهش: در این پژوهش اکتشافی، کیفی، و توصیفی به تجزیه و تحلیل رفتارهای گفتمانی سخنران و مترجم شفاهی در بهره‌گیری از واژه‌ها، پاره‌گفته‌ها، و جمله‌ها برای طراحی روابط بین واحدهای گفتمان در تولید متنی منسجم و قابل فهم برای مخاطب پرداختیم. در انجام این پژوهش، پیکره‌های موازی از میان سخنرانی‌های انجام‌شده به زبان فارسی و ترجمه شفاهی همزمان آن‌ها به زبان انگلیسی به صورت تصادفی انتخاب شد. افزون بر این، برای اثبات پایایی و اعتبار علمی یافته‌ها، از دو ارزیاب نیز بهره گرفته شد.

مبانی نظری و الگوی پژوهش: این پژوهش بر مبنای ترکیب نظریه‌ها در حوزه‌های پژوهشی گفتمان‌شناسی و ترجمه‌شناسی انجام گردید. در گستره گفتمان‌شناسی از نظریه انسجام^۱ بهره گرفته شد. همسو با نظریه انسجام، درستی هر مفهوم و گزاره به میزان پیوستگی و انسجام آن با دیگر مفاهیم و گزاره‌ها در منظومه فکری فرد و جامعه بستگی دارد. افزون بر این، از دیدگاه عملی چگونگی بیان ایده‌ها و مفاهیم در گفتمان شفاهی و مکتوب از یک جمله به جمله بعدی باید به شکلی روان، منطقی، و آشکار باشد تا مخاطب بتواند هدف‌ها و منظورهای گوینده/نویسنده را شناسایی کند (Glanzberg, 2018). گزاره‌های زیر اصول و پیش‌فرض‌های آن را تشکیل می‌دهند: (۱) به طور کلی، متن بدون انسجام وجود خارجی ندارد، (۲) روابط انسجامی مشخص، گوناگون، و گاهی ضمنی در متون وجود دارد، (۳) تحلیل، بررسی، و کشف این روابط از بایسته‌های بنیادین فهم متون است (Schiffrin, 2006; Redeker, 1999). در حوزه ترجمه‌شناسی نیز از نظریه تحلیل راهبردها و معادل‌های ترجمه^۲ بهره گرفته شد. مبنای این نظریه تحلیل روش‌ها، راهبردها، و معادل‌های انتخابی مترجم برای از بین بردن دشواری‌ها در فرایند ترجمه است. برای رسیدن به هدف خود، نگارنده به بررسی رویکردها و روش‌های مترجم در بازآفرینی جنبه‌های گوناگون متن مبدأ در متن مقصد می‌پردازد. هدف این نظریه ترجمه‌شناسی،

¹ relevance theory

² translation spotting

تحلیل و کشف جهانی‌های گفتمانی بین زبان‌ها و فرهنگ‌هاست. پژوهشگران بر این باورند که یافته‌های به دست آمده از تحلیل پیکره‌های موازی (متون مبدا و مقصد در فرایند ترجمه) از اعتبار علمی بالاتری برخوردارند (Cartoni & Zufferey, 2013). افزون بر این، نویسنده/گوینده در طراحی و ایجاد روابط بین واحدهای گفتمان در بیش از ۷۰ درصد موارد از گفتمان‌ها بهره می‌گیرند (Das & Taboada, 2017). در این برنامه پژوهشی، تشخیص و طبقه‌بندی گفتمان‌ها در پیکره‌ها با استفاده از الگوی گفتمان‌نمای محمدی و دهقان (Mohammadi & Dehghan, 2020) انجام شد. این الگو بر اساس نظریه انسجام در پژوهش‌های گفتمان‌شناسی نگارش یافته و مبتنی بر بررسی‌های تجربی پیکره-محور است. تحلیل انسجام متن‌ها بر پایه این الگو دارای روابط استدلالی چهارگانه تفصیل، تقابل، استنباط، و توالی است. رابطه گفتمانی تفصیل روش‌ها و راهبردهای گسترش متن برای بیان موارد سازش بین واحدهای گفتمان با استفاده از عناصر زبانی مانند و، علاوه بر این، همچنین، و موارد مشابه را نشان می‌دهد. رابطه گفتمانی تقابل، موارد تضاد بین واحدهای گفتمان را با بهره‌گیری از عناصر زبانی مانند اما، ولی، علی‌رغم، و مواردی از این قبیل به نمایش می‌گذارد. رابطه گفتمانی استنباط برای نشان دادن استنتاج بین واحدهای گفتمان با بهره‌گیری از عناصری مانند بنابراین، لذا، در نتیجه، و غیره انجام می‌شود. و رابطه گفتمانی توالی برای نشان دادن سلسله مراتب زمانی بین واحدهای گفتمان با بهره‌گیری از واژه‌هایی مانند اولاً، ثانیاً، بالاخره، و غیره انجام می‌گیرد.

ارزیاب‌ها: برای اثبات پایایی و اعتبار علمی تحلیل و نتیجه‌گیری این پژوهش، از دو ارزیاب بهره گرفته شد. رشته تحصیلی ارزیاب نخست زبان‌شناسی بود که پژوهش‌هایی در این حوزه انجام داده و با ادبیات این بخش از علوم آشناست. حوزه مطالعاتی ارزیاب دوم هم آموزش زبان انگلیسی بود. او نیز با ادبیات این پژوهش‌ها آشناست و پایان‌نامه او نیز در این زمینه بوده است. ابتدا نگارنده به بررسی و مقایسه تحلیلی و تطبیقی دو پیکره در گستره کاربرد واژه‌ها، پاره‌گفته‌ها و جمله‌ها برای طراحی و ایجاد روابط گفتمانی بین واحدهای گفتمان موجود در متون مبدا و مقصد پرداخت و به کشف وجوه پنج‌گانه در گستره روابط گفتمانی در متن مقصد دست یافت. این امر نیازمند بررسی افزایش پراکندگی و فراوانی جمله‌ها، واژه‌ها، گفتمان‌ها، گفتمان‌نمای و، کاهش ترکیب گفتمان‌ها در متن مقصد است (جدول ۱). ارزیاب‌ها نیز با مقایسه ۲۵ درصد پیکره‌های موازی فارسی و انگلیسی در مورد وجوه پنجگانه کشف‌شده در طراحی و ایجاد روابط گفتمانی بین واحدهای گفتمان در فرایند ترجمه شفاهی همزمان به ارزیابی و بیان دیدگاه پرداختند.

پیکره پژوهش: این مقاله گزارش بخشی از یک پژوهش در حوزه تحلیل معادل‌های ترجمه در

شفاهی همزمان است. پیکره پژوهش دربرگیرنده حدود ۳۵۰۰۰ هزار واژه و شامل سه سخنرانی رهبر انقلاب اسلامی ایران آیه‌الله خامنه‌ای در ماه‌های خرداد، شهریور، و آبان سال ۱۳۹۹ و ترجمه شفاهی این بیانات در شبکه انگلیسی پرس‌تی‌وی سیمای جمهوری اسلامی ایران بود. انتخاب سخنرانی‌ها و ترجمه آن‌ها بر اساس نمونه‌برداری تصادفی از میان سخنرانی‌های انجام‌شده در سال ۱۳۹۹ و ترجمه شفاهی همزمان آن‌ها انجام گرفت.

مراحل انجام پژوهش: مرحله‌های مورد بررسی مشتمل بر ضبط ترجمه همزمان، دریافت متن مبدا از تارگاہ آیت‌الله خامنه‌ای^۱ تبدیل متن شفاهی مقصد به متن مکتوب برای بررسی وجوه پنجگانه (جدول ۱)، بررسی وجوه پنجگانه در پیکره‌ها، گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها با بهره‌گیری از آمار توصیفی (جدول ۲) و مقایسه با پژوهش‌های مرتبط، و سرانجام واکاوی ۲۵ درصد نمونه‌ها در پیکره از موارد کاربرد واژه‌ها، پاره‌گفته‌ها، و جمله‌ها در طراحی روابط گفتمانی به ارزیاب‌ها بود.

۴. یافته‌ها و بحث و بررسی

پرسش‌های این پژوهش به بررسی عملکردها و راهبردهای مترجم شفاهی همزمان در کاربرد واژه‌ها، پاره‌گفته‌ها و جمله‌ها برای طراحی روابط گفتمانی و میزان بهره‌گیری این مترجم ایرانی از اصول همکاری گرایش در این فرایند بود. جدول شماره ۱، تصویر کلی یافته‌های پنج‌گانه این بررسی تطبیقی با تغییر شمار جمله‌ها، واژه‌ها، گفتمان‌ها، گفتمان‌نمای و، ترکیب گفتمان‌ها در متن مقصد را نشان می‌دهد (موضوع پرسش نخست). کل پیکره نزدیک به ۳۵ هزار واژه است. ابعاد پنجگانه این تحلیل ابتدا شامل بررسی و مقایسه تطبیقی پراکندگی فراوانی جمله‌ها، واژه‌ها، گفتمان‌ها، ترکیب گفتمان‌ها و بررسی موردی یکی از پرکاربردترین، کارآمدترین، مبهم‌ترین، و در عین حال از نظر صوری ساده‌ترین گفتمان‌ها یعنی «و» بود. سپس تغییرات ایجاد شده در وجوه پنجگانه در متن مقصد توجیه و تفسیر گردید (موضوع پرسش‌های دوم و سوم). سرانجام، کاربرد اصول همکاری در راهبردها و رفتارهای گفتمانی مترجم شفاهی همزمان بررسی گردید (موضوع پرسش چهارم).

بر پایه جدول (۱)، روی هم رفته، در ۸۰ درصد موارد شاهد افزایش و رشد ساختار روابط گفتمانی در طراحی و آفرینش گفتمان در متن مقصد هستیم. فقط در ۲۰ درصد موارد کاهش مشاهده می‌شود. ۲۵ درصد پیکره پژوهش به ارزیاب‌ها داده شد. هر دو نفر به بررسی وجوه

^۱ Khamenei.ir

پنج گانه بالا در پیکره پرداختند و در بیش از ۹۰ درصد موارد با وجوه کشف شده بالا با نگارنده توافق نمودند. به این معنا که آن‌ها با دیدگاه و تشخیص نگارنده در مورد افزایش شمار جمله‌ها، واژه‌ها، گفتمان‌نماها، و ترکیب گفتمان‌نماها موافقت نمودند که نتیجه آن ضریب همبستگی ۱ بین ارزیاب‌ها و نگارنده بوده و پایایی ایده آلی است (جدول ۲). این تغییر و تحول در ساختار نظام روابط گفتمانی را چگونه باید تبیین، توجیه، و تفسیر نمود؟ بخش‌های چهارگانه زیر بر اساس تحلیل، بررسی و تفسیر یافته‌ها، به واکاوی و تبیین این موضوع می‌پردازد.

جدول ۱: مقایسه تطبیقی وجوه پنج گانه روابط گفتمانی در پیکره‌های موازی فارسی و انگلیسی

| ردیف | ابعاد | متن فارسی | متن انگلیسی | جمع کل | درصد افزایش |
|------|-----------------------|-----------|-------------|--------|-------------|
| ۱ | جملات | ۹۱۶ | ۱۱۹۹ | ۲۱۱۵ | ٪۳۰ |
| ۲ | کلمات | ۱۶۷۲۴ | ۱۷۷۶۰ | ۳۴۴۸۴ | ٪۶ |
| ۳ | گفتمان‌نماها | ۷۴۵ | ۱۰۹۹ | ۱۸۴۴ | ٪۴۷ |
| ۴ | گفتمان‌نمای واو | ۲۱۹ | ۴۶۰ | ۶۷۹ | ٪۱۱۰ |
| ۵ | ترکیب گفتمان‌نماها | ۷۰ | ۵۸ | ۱۲۸ | ٪۲۰- |
| ۶ | زمان | ۱۵۷ | ۱۵۷ | ۳۱۴ | --- |

بر پایه جدول (۱)، تصریح روابط گفتمانی به شیوه‌های گوناگونی انجام شده است. نمایش آشکارتر روابط بین واحدهای گفتمان نخست به کمک افزایش ۳۰ درصدی فراوانی جمله‌ها در متن مقصد انجام شده است. به این معنا که جمله‌های پیچیده و دشوار متن مبدأ به جمله‌هایی ساده‌تر و آسان‌تر تبدیل شده‌اند. رویکرد دوم در بهره‌گیری از این راهبرد رشد ۶ درصدی پراکندگی فراوانی واژه‌ها در متن انگلیسی است. یعنی بیش از ۱۰۰۰ واژه به حجم متن مقصد افزوده شده است. راهبرد سوم برای رمزگزاری متنی مناسب برای مخاطب در گفتمان انگلیسی، افزایش پراکندگی فراوانی گفتمان‌نماهاست که از دید پژوهشگران نماد تصریح در گستره روابط گفتمانی است (Das & Taboada, 2017). راهبرد آخر کاهش ۲۰ درصدی بهره‌گیری ترکیبی از گفتمان‌نماها در متن انگلیسی است که نشان‌دهنده تلویح در راهبردهای ترجمه این مترجم است.

جدول ۲: ضریب همبستگی بین ارزیاب‌ها

| X^2 | Xy | ارزیاب دوم y | ارزیاب اول x |
|------------------|-----------------|----------------|----------------|
| 400 | 380 | 19 | 20 |
| 225 | 210 | 14 | 15 |
| 361 | 342 | 18 | 19 |
| $\sum x^2 = 986$ | $\sum xy = 932$ | $\sum y = 51$ | $\sum x = 54$ |

$$\beta = \frac{3 \times 932 - 54 \times 51}{3 \times 986 - 54^2} = \frac{2796 - 2754}{2958 - 2916} = \frac{42}{42} = 1$$

ضریب همبستگی میزان رابطه موجود بین متغیرها را به نمایش می‌گذارد و هدف نگارنده در بهره‌گیری از این قاعده، نشان دادن پایایی علمی در تحلیل داده‌های این پژوهش است. نتیجه به‌دست آمده یعنی عدد ۱ ضریب همبستگی بالایی را نشان می‌دهد و بیانگر روایی قابل قبولی در گستره تحلیل کیفی راهبردها و رفتار منظورشناختی مترجم شفاهی همزمان در طراحی و آفرینش روابط گفتمانی است که اعتبار علمی این بررسی کیفی-توصیفی را اثبات می‌کند. پس یافته‌های ارزیاب‌ها همسو با هم و همسو با نگرش نگارنده است. دلیل دستیابی به این ضریب ایده‌آل نیز توافق بیش از ۹۰ درصدی بین هر دو ارزیاب از یک سو و بین ارزیاب‌ها و نگارنده از سوی دیگر است.

۴. ۱. افزایش تعداد جمله‌ها

بخش نخست این بررسی تطبیقی مربوط به پراکندگی فراوانی جمله‌ها در پیکره‌ها است. بر پایه جدول شماره ۱ متن فارسی دارای ۹۱۶ جمله است. ولی این فراوانی در متن انگلیسی به ۱۱۹۹ جمله رسیده است که حدود ۳۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد. نمونه ردیف (۱) این موضوع را اثبات می‌کند، یعنی یک جمله پیکره فارسی به سه جمله در پیکره انگلیسی تبدیل شده است. دلیل آن چیست؟ پژوهشگران از جنبه‌های گوناگونی به تبیین دلایل آن پرداخته‌اند. چن و دانگ (Chen & Dong, 2010) موضوع انطباق دستوری را مطرح می‌کنند که راهبردهای آن شامل بازسازی بر مبنای ساختار زبان مقصد و ساده‌سازی ساختار از طریق توضیح و توصیف محتوا در زبان مقصد است که در چارچوب آن یک جمله ممکن است به چند جمله با واحدهای کوچک‌تر تبدیل شود. هدف آن هم این است که محتوا برای مخاطب قابل فهم باشد. همچنین، گمول

(Gumul, 2006) توضیح و بسط معنای یک جمله متن مبدأ در چند جمله متن مقصد را در پیوند با ابعاد عادی سازی و تصریح در ترجمه شفاهی می‌انگارد. گمول (همان) افزایش طول متن در ترجمه را نتیجه مستقیم افزایش عناصر نحوی می‌انگارد که نتیجه آن جایگزین شدن یک واحد زبان مبدأ با واحدهای گوناگون در زبان مقصد است که دارای معنایی مشخص تر و شفاف تر است و اطلاعات بیشتری را ارائه می‌کند. اوراس (Overas, 1998) دلیل افزایش طول متن مقصد را ارسال کامل تر پیام انگاشته و به این نتیجه می‌رسد که برای جلوگیری از حذف معنا و آسان شدن فهم مخاطب، مترجم‌ها از این راهبرد بهره می‌گیرند. افزون بر این، گمول (Gumul, 2006) حل مشکلات زبانی، فرهنگی، و اجتماعی را از دیگر دلایل افزایش طول متن می‌انگارد که اغلب هم به صورت ناخودآگاه انجام می‌شود. چنین نتیجه‌ای در پژوهش صحاف و همکاران (Sahhaf et al., 2015) نیز گزارش شده است که آن را تغییر نحوی نامیده‌اند. تحلیل پیکره پژوهش حاضر هم این موضوع را اثبات می‌کند (ردیف ۱). به این معنا که به سبب تفاوت‌های زبانی، فرهنگی، و گفتمانی بین زبان فارسی و انگلیسی جمله مرکب و پیچیده فارسی زیر را به چهار جمله در زبان انگلیسی تبدیل نموده است.

۱. امروز سه مناسبت در کنار هم قرار دارد: یکی همین مناسبت میلاد مبارک و معظم است -میلاد پیامبر گرامی و فرزند گرامی اش حضرت صادق (علیه الصلاة والسلام)، یک مناسبت، مناسبت هفته وحدت است که مناسبت بسیار مهمی است و یک مناسبت هم سیزدهم آبان است که روز مبارزه با استکبار است.

But today we have three occasions concurrently. First is the birth anniversary of the prophet and dear prophet of Islam and his dear grandson Imam Jafar Sadiq (PBUH). Another occasion is the beginning of the unity week which is also of a paramount importance. We also have the 13th of Aban Iranian calendar, the day of fighting global arrogance.

۴.۲. افزایش تعداد واژه‌ها

بخش دوم این مطالعه تطبیقی به بررسی تغییرات در گستره نظام کاربردی واژه‌ها مربوط می‌شود. نتیجه بررسی نشان داد که در این حوزه بین پیکره‌ها تفاوت وجود دارد و در متن مقصد واژه‌ها دارای فراوانی بیشتری هستند. این افزایش و رشد متن مقصد در گستره واژه‌های متن مقصد به ۶ درصد (۱۰۳۶ واژه) می‌رسد؛ مانند ردیف ۲ که جمله فارسی ۱۸ واژه است ولی جمله انگلیسی ۲۶ واژه دارد که نمایانگر افزایش واژه به میزان ۲۸ درصد در این نمونه است. ریکاردی (Riccardi, 2005) دلیل افزایش شمار واژه‌ها در متن مقصد در ترجمه شفاهی را توضیح‌ها و

توصیف‌های مترجم می‌داند که نتیجه آن تفصیل^۱ متن است. چسترمن (Chesterman, 2016) افزایش واژه‌ها در متن مقصد را بخشی از راهبردهای منظورشناسی انگاشته و به این نتیجه می‌رسد که معمولاً تعداد واژه‌ها به طور نسبی در ترجمه بیشتر می‌شود. این امر به بیان روشن‌تر مفهوم انجامیده، گسترش انسجام متن را در پی دارد و نتیجه آن به باور بیکر (Baker, 2014) جایگزینی فرهنگی^۲ است.

این افزایش در پژوهش گمول (Gumul, 2006) هم گزارش شده‌است. او دلیل گسترش نظام واژگانی متن مقصد را در چهارچوب افزودن پاره‌گفته‌های توصیفی توجیه می‌کند و بر این باور است که فلسفه آن بهره‌گیری مترجم از راهبرد تصریح است. افزون بر این، دیمیترووا (Dimitrova, 1993) هدف از افزودن واژه‌ها در متن مقصد را نشان دادن آشکار و روشن منظور گوینده می‌داند، چرا که مترجم شفاهی همزمان در پی نمایش تعامل در بافت گفتار شفاهی است که ارجاعات مشترک^۳ آن اندک است و بافت کاملی وجود ندارد. بنابراین، مترجم نیازمند آفرینش بافتی قابل فهم برای مخاطب است و این پژوهشگر خطر به کار نگرفتن بافت مناسب را بیشتر از ترجمه نکردن بخشی از متن می‌داند. همچنین، اوراس (Overas, 1998) در پیوند با دلیل افزایش واژه‌ها در متن مقصد بیان می‌دارد که برای جلوگیری از ارسال نکردن پیام گوینده، مترجم پای‌بند به این نتیجه می‌رسد که بهتر است اندازه متن گسترش یابد و از حذف معنا و عدم فهم مخاطب پرهیز شود. موسوی رضوی (Mousavi Razavi, 2016) تقویت کیفیت ترجمه را دلیل افزایش واژه‌ها می‌انگارد. بررسی و مقایسه دو جمله موازی فارسی و انگلیسی زیر نیز به شکل عینی این موضوع را نشان می‌دهد. به این ترتیب که فراوانی واژه‌ها، جمله زبان مقصد حدود ۳۰ درصد افزایش را اثبات می‌کند.

۲. اگر چنانچه به هدف تحول هم دیر برسیم ایرادی ندارد؛ عمده این است که راه را درست برویم.

So if then you reach your target late which is change, it doesn't matter, what matters is that you should trade in the right path.

۴.۳. افزایش تعداد گفتمان‌ها

معمولاً گوینده/نویسنده از واژه‌ها، پاره‌گفته‌ها، حروف عطف، ربط، و اضافه، قیدها، و جمله‌های کوتاه به نام گفتمان‌ها بهره می‌گیرد و هدف از کاربرد آن‌ها، ایجاد ارتباط و انسجام بین

¹ elaboration

² cultural substitution

³ common reference

واحدهای گفتمان است مانند اما، و، سپس، حالا، در انتها، در ابتدا، به منظورم، و موارد مشابه (Fraser, 2006). بخش سوم یافته‌ها در این پیکره‌های موازی مربوط به افزایش شمار گفتمان‌نماها برای مدیریت گفتمان^۲ در فرایند ترجمه شفاهی همزمان است. نمونه^۳ (۳)، این موضوع را نشان می‌دهد، یعنی در یک جمله دو عدد گفتمان‌نما از دو نوع متفاوت تقابلی و استنباطی افزوده شده است. در متن فارسی ۷۴۵ گفتمان‌نما به کار رفته است، ولی در متن انگلیسی این تعداد به ۱۰۹۹ نمونه می‌رسد که رشد ۴۷/۵ درصدی (۳۵۴ نمونه) را نشان می‌دهد. برای نمونه، پرکاربردترین و کارآمدترین گفتمان‌نما یعنی «و» به طور ویژه‌ای بررسی گردید و بر پایه جدول ۱ این گفتمان‌نما در متن اصلی دارای ۲۱۹ نمونه است ولی در متن مقصد این تعداد به ۴۶۰ مورد رسیده است که رشد ۱۱۰ درصدی را نشان می‌دهد. همچنین، در ترجمه آن از حدود ده گفتمان‌نمای مختلف بهره گرفته شده است. دلیل این افزایش بیش از ۵۰ درصدی چیست؟ چگونه می‌توان آن را توجیه نمود؟ این گفتمان‌نما از پرکاربردترین، مبهم‌ترین، و پیچیده‌ترین گفتمان‌نماها در زبان‌هایی مانند فارسی، چینی، عربی، و انگلیسی است (Faghih Malek Marzban, 2008; Schiffrin, 2006; Ying, 2007; Alsharifi, 2017; Dimitrova, 1993; Fraser, 2006; Gumul, 2006).

۳. ضعف مدیریت در آن کشور موجب شده که امروز تلفاتشان چندین برابر تلفات کشورهای دیگر است و ابتلائاتشان هم همین جور.

But because of mismanaging that country you see that they have a large number of fatalities and infections much higher than other countries.

فرکو (Furko, 2014) دلیل گسترش و افزایش گفتمان‌نماها در این فرایند را آفرینش متنی روان، سلیس، و منسجم در زبان مقصد می‌داند که نتیجه آن تقویت پویایی اجتماعی گفتمان^۳ است و منجر به غنای منظورشناختی متن می‌گردد. وی در بررسی دیگری (Furko, 2007) توجه مترجم‌ها به تأثیر منظورشناختی را بررسی کرده و به این نتیجه می‌رسد که آن‌ها با توجه به تأثیر ارتباطی گفتمان‌نماها در انسجام متن، از راهبرد افزایش گفتمان‌نماها بهره می‌گیرند. زیرا بیشتر گفتمان‌نماها دارای نقش‌های گوناگونی هستند و نمایش این نقش‌های چندگانه نیازمند تصریح در متن مقصد است. همچنین، بخش اعظم تصریح نیز به کمک گفتمان‌نماها انجام می‌شود که به طور طبیعی متضمن افزایش است و فرکو (همان) آن را از ویژگی‌های پردازش طبیعی^۴ زبان در بافت

¹ I mean.

² monitoring discourse

³ social dynamics of discourse

⁴ natural processing

اجتماعی می‌انگارد. گمول (Gumul, 2006) در تحلیل پیکره پژوهشی خود نیز تصریح را مورد توجه قرار می‌دهد. به باور وی، تصریح، روشن ساختن اطلاعات پنهان متن است و تحلیل رابطه بین متن مبدأ و مقصد اطلاعات زیادی درباره ابعاد این فرآیند در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. وی به ابعاد گسترده‌ای از تصریح در فرایند ترجمه اشاره می‌کند و یکی از ابعاد آن افزایش تعداد گفتمان‌نماهاست.

در توجیه این موضوع، دیمیترووا (Dimitrova, 1993) در بررسی خود به این نتیجه رسید که مترجم روابط ضمنی را با افزودن حروف ربط و عطف نشان می‌دهد. از دید فریزر (Fraser, 2006) حروف عطف و ربط هم بخش اعظم گفتمان‌نماها را تشکیل می‌دهند. این پژوهشگر منشأ تصریح را تجربه و مهارت دانسته و به این نتیجه دست می‌یابد که مترجم‌های زیردست درجه بالایی از تصریح خود کار^۱ را به کار می‌برند. در توجیه فرایند تصریح با استفاده از گفتمان‌نماها، اوراس (Overas, 1998) تأکید می‌کند که برای جلوگیری از مشکل عدم ارسال پیام، مترجم‌های پای‌بند به این نتیجه می‌رسند که بهتر است انسجام متن با بهره‌گیری از گفتمان‌نماها گسترش یابد و از حذف ابعاد منظورشناختی گفتمان جلوگیری شود.

شلزینگر (Shlesinger, 2000) هم به تحلیل تغییرات انسجامی در ترجمه شفاهی پرداخت و به این نتیجه رسید که مترجم‌های شفاهی روابط انسجامی ضمنی را با افزودن ابزار انسجامی مانند حروف ربط، عطف، و اضافه آشکارا نشان می‌دهند. بررسی پیورتین (Puurtinen, 2004) هم نشان داد که بیشترین تغییرات رایج در فرایند ترجمه شفاهی مربوط به تصریح روابط انسجامی به وسیله افزودن گفتمان‌نماها و تغییر پیوستگی ارجاعی به پیوستگی واژگانی بود. وی، افزودن گفتمان‌نماها در فرایند ترجمه شفاهی را فرایند پردازشی خودکار انگاشته است. از دید وی، مترجم‌ها به شکلی ناخودآگاه گفتمان‌نماها را در فرایند ترجمه شفاهی می‌افزایند تا از ابعاد استعاری متن ابهام‌زدایی کنند. او به این نتیجه می‌رسد که این افزایش و تفصیل ساختار گفتمان سبب افزایش کیفیت متن مقصد می‌شود و در نتیجه متن مقصد تأثیر بیشتری بر مخاطب خود خواهد داشت. وی بر این باور است که اگر مترجم‌ها به صورت نظام‌مند از این راهبردها بهره‌گیرند، به آفرینش متنی موثر و کارآمد اقدام نموده و نتیجه این امر هدایت مؤثرتر و دقیق‌تر تلاش‌های پردازشی مخاطب است. از دید اوراس (Overas, 1998)، بخش دیگری از دلایل افزایش گفتمان‌نماها در مواردی ویژه، نتیجه مستقیم به کارگیری راهبرد پر کردن خلاء در گفتار است. به این معنا که مترجم شفاهی اطلاعات جدیدی را ارائه نمی‌کند و برای تحلیل، فهم، و ترجمه بخش بعدی متن مبدأ، به کمک گفتمان‌نماها خلأ زمانی را پر می‌کند تا بخشی از مانع‌ها و

¹ automatic explicitation

مشکلات ذهنی خود را از بین ببرد. بنابراین، او دلیل این افزایش در ترجمه شفاهی را ایجاد فرصت جست‌وجو و یادآوری واژه‌ها برای مترجم شفاهی همزمان دانسته‌است. بنابراین، واکاوی نمونه‌ای از این پیکره موازی (نمونه^۳) نشان می‌دهد که مبنای مترجم در افزایش دو گفتمان‌نمای تقابلی «But» و استنباطی «Because» - دو گروه متفاوت از روابط گفتمانی - گسترش انسجام متن مقصد، افزایش توانایی منظورشناختی آن و در نتیجه کاهش تلاش‌های پردازشی مخاطب ترجمه، البته بر مبنای شرایط بافت و موقعیت آن است (Furko, 2014).

۴.۴. کاهش ترکیب و همایی گفتمان‌نماها در متن مقصد

بخش‌نهایی یافته‌های این پژوهش تطبیقی در پیوند با ترکیب گفتمان‌نماها^۱ در دو پیکره بود که برخلاف موارد بالا در این حوزه کاهش ۲۰ درصدی مشاهده شد. ردیف ۴، نمونه‌ای را برای این بخش از یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد. به این ترتیب که چهار گفتمان‌نمای موجود در پیکره فارسی به یک گفتمان‌نما در پیکره انگلیسی کاهش یافته‌است. از دلایل احتمالی می‌تواند مربوط به توانش و کنش گسترده سخنران در استفاده حرفه‌ای از زبان فارسی و یا شاید به تفاوت زبان‌های فارسی و انگلیسی در استفاده ترکیبی از گفتمان‌نماها مرتبط باشد که در مطالعه محمدی (Mohammadi, 2020) نیز گزارش شده‌است. او استفاده ترکیبی از گفتمان‌نماها در متون فارسی، عربی، و انگلیسی را بررسی می‌کند و به این نتیجه رسید که تنوع استفاده ترکیبی یا همایی گفتمان‌نماها و فراوانی آن‌ها در زبان فارسی بیشتر از زبان‌های عربی و انگلیسی است. توجه دیگر ممکن است مربوط به کیفیت توانش و کنش مترجم شفاهی در زبان انگلیسی باشد. البته این ادعا نیازمند انجام پژوهش‌های آمیخته^۲ مانند مصاحبه و موارد مشابه است تا به شناخت جامع‌تری از این پدیده بیانجامد. تحلیل نمونه موازی (۴) اثبات می‌کند که مترجم در ترجمه این گفتمان‌نماهای چهارگانه از راهبرد تلویح-تبدیل چهار واحد گفتمانی به یک واحد- برای نشان دادن این رابطه تقابلی بهره می‌گیرد.

۴. یعنی واقعاً حالا هنوز دوستان و برادران مؤمن و ملت عزیز ایران از سعه و گستره‌ی کار شهید سلیمانی مطلع نیستند.

Still our great nation and brothers and sisters may not be aware of the activities martyr Soleimani had.

¹ co-occurrence of discourse markers

² mixed method

۴. ۵. کاربرد اصول همکاری در ترجمه همزمان

رفتار زبانی انسان مانند دیگر رفتارهای اجتماعی او نیازمند اصول و قاعده‌هایی است تا به صورتی منطقی و قابل فهم برای مخاطب بیان شود. این اصول بیانگر مبانی رفتار شایسته و درست زبانی فرد در جامعه است. یافته‌های این پژوهش یعنی وجوه پنج‌گانه تحلیل اقدامات مترجم مرتبط با اصل کمیت و شیوه بیان از اصول همکاری گرایس (Grice, 1975) است. مبنای گرایس در معرفی شیوه بیان^۱ بر ارابه روشن، آشکار، و بدون ابهام اطلاعات در فرایند آفرینش گفتمان است. یعنی در این فرایند فرد در جستجوی تولید گفتمانی بدون در نظر گرفتن هر گونه ابهام واژگانی، دستوری، معنایی، و منظورشناختی در تعاملات اجتماعی است. در این پژوهش ثابت شد که ۸۰ درصد اقدامات مترجم همزمان در طراحی و آفرینش روابط گفتمانی مربوط به افزایش و گسترش چهار وجه از وجوه پنجگانه روابط گفتمانی است.

این امر به آن معناست که برای ارابه گفتمانی روشن، آشکار، و بدون ابهام، این مترجم شفاهی همزمان ایرانی در هشتاد درصد موارد ساختار گفتمان^۲ را افزایش داده است. به این معنا که در طراحی روابط گفتمانی فراوانی واژه‌ها، گفتمان‌نماها، گفتمان‌نمای و، و جمله‌ها افزایش یافته است (چهار پنجم موارد). بنابراین، در ۸۰ درصد موارد این مترجم از اصل شیوه بیان گرایس بهره گرفته است. پژوهشگران، این تغییر در فرایند طراحی روابط گفتمانی را بر اساس اصل تصریح توجیه می‌کنند که موضوع آن نیز ابهام‌زدایی از گفتمان است. تصریح یکی از عناصر و ابعاد جهانی‌های ترجمه است (Chesterman, 2016). این بخش از یافته‌های پژوهش حاضر همسو با یافته‌های پژوهش سیفی و محمودزاده (Seifi & Mahmoodzadeh, 2010) است. این پژوهشگران تأثیر اصول همکاری گرایس در دستیابی به تعادل در ترجمه را بررسی نمودند و نتیجه بررسی آن‌ها نشان داد که شیوه بیان تأثیر گسترده‌ای بر فرایند تعادل در ترجمه دارد.

بخش پایانی یافته‌های این پژوهش مربوط به کاهش استفاده ترکیبی از گفتمان‌نماها است. به این معنا که یک وجه از وجوه پنجگانه در فرایند طراحی روابط گفتمانی در ترجمه شفاهی همزمان کاهش یافته است (۲۰ درصد). به این ترتیب احتمالاً این مترجم ایرانی به این نتیجه رسیده است که به جای بهره‌گیری از چهار گفتمان‌نمای «یعنی، واقعاً، حالا، هنوز»- موجود در متن فارسی فقط از یک گفتمان‌نمای انگلیسی «Still»- در متن مقصد بهره می‌گیرد و از زیاده‌گویی پرهیز می‌کند. این امر نمایانگر بهره‌گیری از اصل کمیت در فرایند ترجمه شفاهی همزمان است. این بخش از یافته‌های پژوهش حاضر در راستای نتیجه بررسی محمدی

¹ manner

² discourse structure

۵. نتیجه و کاربردهای آموزشی و پژوهشی

هدف این مطالعه بررسی و مقایسه فراوانی واژه‌ها، پاره گفته‌ها، و جمله‌ها در طراحی و ایجاد روابط گوناگون گفتمانی بین واحدهای گفتمان در پیکره‌های موازی، با تکیه بر داده‌های برگرفته از مقایسه متون مبدا و مقصد در فرایند ترجمه شفاهی همزمان بود. نتیجه مطالعه نشان داد که نظام آفرینش این روابط در این دو پیکره دارای رویکردهای متفاوتی بود و ساختار روابط گفتمانی در متن مقصد گسترش چشمگیری یافت. در بخش بحث و بررسی روشن شد که دلایل مهم و اصلی به کارگیری این رویکردهای گوناگون، بهره‌گیری از دو راهبرد گفتمان آفرین تصریح و تلویح بر مبنای اصل کمیت و شیوه بیان از اصول همکاری در فرایند ترجمه شفاهی همزمان توسط این مترجم ایرانی بود. یکی از دلایل مهم این گسترش در نظام روابط گفتمانی این است که نویسنده/گوینده در ۷۰ درصد موارد روابط گفتمانی را در متن مبدأ به صورت ضمنی نشان می‌دهد (Das & Taboada, 2017)، ولی در متن مقصد، به سبب تفاوت‌های زبانی و فرهنگی، این رویکرد کارایی ندارد. بر این مبنا، لازم است که مترجم رویکرد متفاوتی را به کار گیرد که در بیشتر موارد مترجم‌ها دست به دامن راهبرد تصریح می‌شوند (Gumul, 2006). بنابراین این پژوهش نشان داد که مترجم شبکه انگلیسی پرس‌تی‌وی در ۸۰ درصد موارد از راهبرد تصریح بهره گرفته است. حجم بالایی از گسترش طول متن را نشان می‌دهد. چراکه فرض مترجم بر این است که مخاطب متن مقصد انتظار دارد که متن انسجام لازم را داشته باشد تا درک آن امکان‌پذیر گردد (Gile, 2005). این موضوع در این مطالعه اثبات گردید. این رویکرد در آفرینش گفتمان و روابط گفتمانی نظام پردازش طبیعی زبان را نشان می‌دهد که دارای مبانی نظری و عملی در حوزه‌های زبان و فرهنگ در گستره کاربرد زبان در جامعه است و چارچوب تعاملات انسانی را شکل می‌دهد. لازمه پردازش طبیعی زبان ابهام‌زدایی است که بر پایه اطلاعات فرازبانی انجام می‌شود که تحلیل فرامتنی^۱ (Aijmer, 2002)، فراارتباطی^۲ (Frank-job, 2006) و فراگفتمان‌مدار^۳ (Hyland, 2005) اصول آن را تشکیل می‌دهد. بررسی، تحلیل، و مقایسه تطبیقی نظام آفرینش و طراحی روابط گفتمانی در فرایند ترجمه شفاهی همزمان در چارچوب تحلیل‌های سه گانه بالا، منجر به معرفی مبانی و اصول همکاری در حوزه ترجمه شفاهی همزمان خواهد شد.

¹ meta-textual

² meta-communicative

³ meta-discursive

این پژوهش، در آمدی بر ارایه چشم‌اندازها، رویکردها، و دیدگاه‌های نظری و عملی در معرفی اصول همکاری در فرایند ترجمه شفاهی همزمان است. بنابراین، لازم است پژوهشگران با انجام بررسی‌های گوناگون و با بهره‌وری از پیکره‌های موازی چندزبانه ابعاد اصول همکاری در این حوزه را به جامعه علمی، آموزشی، و پژوهشی معرفی نمایند.

بنابراین، بر اساس یافته‌ها، تحلیل، و مبحث‌های بالا به نظر می‌رسد لازم است یافته‌ها و کاربردهای گوناگون زیر مورد نظر کارگزاران نظام آموزشی و پژوهشی کشور قرار گیرد. لازم است تجزیه و تحلیل، آموزش، و پژوهش اصول همکاری بین سخنران و مترجم همزمان در این فرایند پیچیده در برنامه‌ریزی‌های علمی، آموزشی، و اجرایی در حوزه‌های آموزش زبان، ترجمه، فرهنگ، و ادبیات مورد توجه قرار گیرد. به‌ویژه، در آموزش درس‌هایی مانند نگارش و مقاله‌نویسی (انگلیسی و فارسی)، مهارت‌های شنیداری و گفتاری، و برخی از دروس ترجمه در رشته‌های علمی بالا، تدریس، اطلاع‌رسانی، و آگاهی‌بخشی درباره مبانی و اصول همکاری در گستره علوم زبان‌شناسی، گفتمان‌شناسی و منظورشناسی لازم به نظر می‌رسد. همچنین، یافته‌ها در گستره این مطالعات، کاربردهای پژوهشی گوناگونی در معرفی چشم‌اندازهای مطالعاتی جدید و سرانجام نظریه‌پردازی و ارایه الگوهای پژوهشی در این حوزه‌ها خواهند داشت. در این گستره پژوهشی در آغاز راه قرار داریم و لازم است در پیکر پژوهش‌های گوناگونی هر یک از این ابعاد به شکلی دقیق و جداگانه بررسی شوند.

فهرست منابع

- محمدی، علی محمد (۱۳۹۹). «تحلیلی منظورشناختی بر ترکیب و همایی گفتمان‌نماها در متون: کاربرددی‌شدگی نقش گفتمان‌نماها» *زبان‌پژوهی*. دوره ۱۴. شماره ۴۳. صص ۱۱۹-۱۴۴.
doi: 10.22051/jlr.2020.32471.1902
- محمدی، علی محمد و رحیم دهقان (۱۴۰۰). «تحلیلی بر نشانگرهای گفتمان در نقد ترجمه: معرفی الگوی مدیریت گفتمان نقد ترجمه در ایران». *مطالعات ترجمه*. شماره ۶۹. صص ۸-۲۰.

References

- Aijmir, K. (2002). *English discourse particles: Evidence from a corpus*. Amsterdam: Johan Benjamin
- Alsharifi, M. (2017). The frequently used discourse markers by Saudi EFL learners. *Arab World English Journal*, 8 (2), 384–397
- Baker, M. (2014). *In Other Words*. USA: Routledge.
- Baker, M. (1993). Corpus Linguistics and Translation Studies: Implications and Applications. In Baker, M. & Francis, G. Tognini-Bonelli, E. (eds.) *Text and Technology: In Honour of John Sinclair*, (pp. 233–250) Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Cartoni, L & Zuferry, S. (2013). Annotating the Meaning of Discourse Connectives

- by Looking at their Translation: The Translation Spotting, *Dialogue and Discourse*, 4(8), 65-86.
- Chen, Z. & X. Dong, (2010). Simultaneous Interpreting: Principles and Training, *Journal of Language Teaching and Research*, 1(5), 714-716.
- Chesterman, A. (2016). *Memes of translation*, Amsterdam: John Benjamins.
- Crible, L. & A. Abuczki, N. Burksaitiene, P. Furko, A. Nedoluzhko. (2019). Functions and translations of discourse markers in TED Talks: A parallel corpus study of underspecification in five languages, *Journal of Pragmatics*, 4(142), 139-155.
- Crible, L. & Degand, L. (2017). Reliability vs granularity in discourse annotation, *Corpus Linguistics*, 1, 1-29.
- Dagand, L. (2009). On Identifying Basic Discourse Units in Speech, *Discours*, 4(3), 23-38.
- Das, D. & A. Taboada. (2017). *Signalling coherence relations in discourse, beyond discourse markers*. Retrieved from <<https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/0163853X.2017.1379327>>
- Dimitrova, B. (1993). Semantic Change in Translation – A Cognitive Perspective. In Gambier, Y. & Tommola, J. (eds.) *Translation and Knowledge*. (pp. 285–296) Turku: Centre for Translation and Interpreting, University of Turku.
- Faghih Malek Marzban, N. (2008). The Functions of Conjunctions, *Olum Ensani Alzahra*, 17(68-69), 145-168
- Frank-Job, B. (2006). A dynamic-interactional approach to discourse markers. In K. Fischer, *Approaches to discourse particles* (pp. 359-375). Oxford: Elsevier.
- Fraser, B. (2006). Towards a theory of discourse markers. In K. Fischer (ed.), *Approaches to discourse particles* (pp. 240-256). Oxford: Elsevier.
- Furko, P. (2014). Perspectives on the Translation of Discourse Markers. *Acta Universitatis Sapientiae, Philologica*, 6(2), 181–196.
- Furkó, P. (2007). *The pragmatic marker - discourse marker dichotomy reconsidered - the case of 'well' and 'of course'*. Debrecen: Debrecen University Press.
- Gile, D. (2005). Directionality in conference interpreting: a cognitive view, Retrieved from <<https://www.researchgate.net/publication/260120149>>
- Gile, D. (2018). Simultaneous interpreting, in C. Sinwai (ed). *An Encyclopedia of Practical Translation and Interpreting* (pp. 531-561), Hong Kong: The Chinese University Press
- Glanzberg, M. (2018). The Coherence Theory. Retrieved from <<https://www.oxfordhandbooks.com>>
- Grice, H. P. (1975). Logic and Conversation. In P. Cole, & J. L. Morgan. (Eds.), *Syntax and Semantics*, Vol. 3, Speech Acts (pp. 41-58). New York: Academic Press.
- Gumul, E. (2006). Explicitation in simultaneous interpreting, *Across Languages and Cultures*, 7(2), 171–190.
- Halliday, M. A. K. (1973). *Explorations in the functions of language*. New York: Elsevier North-Holland.
- Hyland, K. (2005). *Metadiscourse: Exploring Interaction in Writing*. London: Continuum.
- Klaudy, k. (2005). Implication in Translation: Empirical Evidence for Operational Asymmetry in Translation, *Across Languages and Cultures*, 6(1), 13–28.
- Mohammadi, A. M. (2020). A pragmatic analysis of co-occurrence of discourse markers in texts: pragmaticalization of functions, *Zabanpazhuhi*, 14 (43), 119-144. doi: 10.22051/jlr.2020.32471.1902 [In Persian].
- Mohammadi, A. M. & Dehghan, R. (2020). An Analysis of Discourse Markers in

- Translation Criticism: Introducing a Discourse Monitoring Model in the Iranian Context. *Translation Studies Quarterly*, 18(69), 7–24 [In Persian].
- Mousavi Razavi, M. S. (2016). Memory-Enhancement Techniques in Interpreter Training. *Translation Studies Quarterly*, 14(54), 35-49.
- Overas, L. (1998). In Search of the third code. an investigation of norms in literary translation, *Meta*, 43(4), 571–590.
- Petukhova, V. & Bunt, H. (2011). Multi-level discourse relations between Dialogue Units. Retrieved from <<https://www.researchgate.net>.>
- Puurtinen, T. 2004. Explicitation of Clausal Relations: A Corpus-based Analysis of Clause Connectives in Translated and Non-translated Finnish Children's Literature. In Mauranen, A. & Kujamäki, P. (eds.) *Translation Universals. Do they Exist?* (pp. 165-176). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Redeker, G. (1990). Ideational and pragmatic markers of discourse structure. *Journal of Pragmatics*, 14, 367 - 381.
- Riccardi, A. (2005). On the Evolution of Interpreting Strategies in Simultaneous Interpreting. *Meta* 50(2), 753–767.
- Sahhaf, A., Khoshsaligheh, M., & Ghazizadeh, K. (2015). Iranian Novice Interpreters' Strategies in Translating Political Speech. *Translation Studies Quarterly*, 13(50), 34-51.
- Salimi, E. A., & Nosrati, S. (2015). The Role of Multimedia Corpora in Improving EFL Learners' Interpreting. *Translation Studies Quarterly*, 13(51), 25-44.
- Schiffirin, D. (2006). Discourse marker research and theory: revisiting and. In K. Fischer, *Approaches to discourse particles* (pp. 315-339). Amstersam: Elsevier.
- Seifi, A., & Mahmoodzadeh, K. (2010). The Role of Cooperative Principles in Achieving Translation Equivalence. *Translation Studies Quarterly*, 7(28), 45-59.
- Shafiei, S., Tavakoli, M., & Vahid Dastjerdi, H. (2017). Delving into Note-Taking Technique in Consecutive Interpreting: Academic Context in Focus. *Translation Studies Quarterly*, 14(56), 26-42.
- Shlesinger, M. (2000). *Interpreting as a Cognitive Process: How can we know what really happens?* In S. Tirkonen-Condit, & A. Jaaskelainen (3-17) Amsterdam: John Benjamins.
- Tirkkonen-Condit, S. & Jaaskelainen, M. (2000). *Tapping and Mapping the Processes of Translation and Interpreting*. Amsterdam: John Benjamins.
- Tranvac, R. & Das, T. Taboada, S. (2015). Discourse Relations and Evaluation, *Corpora*, 3(2), 35-49.
- Ying, S. (2007). An analysis of discourse markers used by non-native English learners: Its implications for teaching English as a foreign language. Retrieved from <<http://www.kuis.ac.jp/icci>.>
- Zhao, H. (2014). The textual function of discourse markers under the framework of relevance theory, *Practices in Language Studies*, 4(10), 2105-2113.
- Zufferey, S. (2017). Discourse connectives across languages: factors influencing their explicit or implicit translation, *Languages in Contrast*, 16(2), 264-279.

